

نگاهی به اهمیت محیط زیست از منظر اخلاقی

چکیده

این مقاله متشکل از یک مقدمه و دو زیر مقدمه و یک نتیجه‌گیری می‌باشد. در حد و حوصله این مقاله تلاش شده است حتی‌المقدور اهمیت محیط زیست تبیین شود و وظایف و اختیارات شهروندان و شهروندان در امر مبارزه با مشکلات وارده بر محیط زیست بیان گردد و برای حل معضلات زیست‌محیطی نسخه‌هایی به ارباب قدرت و رعیت در قالب گزاره‌های اخلاقی تجویز گردیده است.

مقدمه

از زمانی که انسان بر روی کره‌خاکی پا نهاده است، از منابع غذایی، آب، گیاهان و منابع معدنی آن بهره برده و سعی کرده است این محیط را به شکلی که مطابق میل او است تغییر دهد. اما در یک هزاره اخیر، پیشرفت فناوری، گستره و عمق تأثیر رفتار انسان بر روی کره زمین به گونه‌ای بوده است تهدیدآمیز ولی باز هم می‌تواند سرنوشت متفاوتی را با هزاران سال گذشته برای ما رقم بزند و حیات دراز مدت موجودات را تضمین نماید. پیشرفت فناوری و مداخله گسترده در طبیعت، از جهتی رفاه و آسایش بیشتری را برای انسان به ارمغان آورده و سبک زندگی ما را تا آنجا دگرگون ساخته است که بازگشت به زندگی گذشته برای انسان امروزی غیرممکن می‌نماید؛ اما از طرف دیگر، الودگی‌های زیست‌محیطی، دغدغه تامین آب و کمبود انرژی و... تشویش و تعب و رنج‌هایی است که آرامش را از انسان‌ها گرفته و شیرینی و مفاد استفاده از این امکانات و تسهیلات را به کام انسان امروز تلخ کرده است. بنابراین، محیط زیست به عنوان ملک مشاء همه موجودات زنده اعم از انسان‌ها و حیوانات و نباتات که بیش‌ترین نقش را در آبادی و برپاداش انسان می‌تواند بازی کند، این انسان همانگونه که حق دارد از منابع و امتیازات آن مستفید شود، به همان اندازه هم به لحاظ اخلاقی مکلف است که از محیط زیست به گونه درست و حسن، حراست و صیانت کند و از فعالیت‌های تخریب‌زا و مخل اهمیت و امنیت محیط زیست خودداری نماید.

امروزه، مشکلات موجوده و مستحدثه زیست‌محیطی به عنوان یک معضل کلی به بزرگی جهان دامن گسترده که حل و رفع این وباء مهلک، تلاش جهانی می‌طلبد. بنابراین، حکومت و بخصوص وزارت معارف با تعبیه کردن اهمیت محیط زیست در نصاب آموزشی و وزارت حج و اوقاف که نهادهای

دینی را تحت نظارت دارد، باید از طریق مساجد و منابر خطرات زیست‌محیطی را به سمع مردم برساند و آن‌ها را به خوش‌رفتاری در زمین ارشاد نماید.

در پایان این مقدمه بر خود لازم می‌دانم که از حسن نظر رهبری اداره محترم ملی حفاظت از محیط زیست کمال امتنان نمایم که این برنامه را راه‌انداخته است که الحق و الانصاف چنین برنامه‌هایی می‌تواند که در کاهش الودگی‌های زیست‌محیطی نقش تعیین‌کننده و بسزایی داشته باشد.

اهمیت محیط زیست

محیط زیست عبارت از جایی می‌باشد که علاوه بر انسان، بقیه موجودات زنده نیز به حکم خلقت و طبیعت محق و شریک استفاده از منابع و امتیازات زمینی و هوایی آن می‌باشند. سلامتی ساکنان هر جایی در گرو سالم بودن محیط زیست است، یعنی موجودات جنبنده اعم از انسان‌ها و حیوانات نمی‌توانند زیست‌قرین آرامش داشته باشند، مگر این که محیط زیست سالم داشته باشند. تئوری‌سین‌های محیط زیست مدعی‌اند که "در محیط زیست، هر موجود زنده با دیگر موجودات اعم همواره در ارتباط متقابل است" و در واقع، همه موجودات عالم در یک عرصه تاثیر و تأثر زیست‌مختلط دارند. بنابراین، هر موجود زنده‌ای، به عنوان یکی از عوامل محیط زیست که با سایر عوامل در ارتباط است، اثرات مشخصی بر محیط زیست می‌گذارد. اگر عاملی در محیط زیست، جایگاه طبیعی و نقش متعادل خود را در ارتباط متقابل با سایر عوامل نداشته باشد، یعنی از سایر عوامل شریک و شفعه در طبیعت بهره‌برداری بیش‌ازحد نماید، تعادل طبیعی سایر عوامل و کل محیط زیست را تحت تأثیر قرار داده و به عامل برهم‌زننده تعادل تبدیل خواهد شد. به عبارت دیگر، هر محیط زیستی قابلیت تأمین نیازهای عده مشخصی از هر موجود زنده را به عنوان یک عامل از عوامل زنده دارد. بناً، از آنجا که محیط زیست می‌تواند که هم منبع شادابی و طراوت خاطر شود و هم می‌تواند که از حیات انسان‌ها سلب آسایش کند، داشتن آسایش، مشروط و منوط است به داشتن محیط زیست سالم، و محیط زیست سالم میسر نمی‌شود مگر این که با عنایت به قائده زرین اخلاقی خیرالأمور اوسطها، انسان‌ها در راستای استفاده از منافع و مفاد محیط و مملکت خود جانب احتیاط را در هر دو ساحت نظر و عمل مراعات نمایند.

شان شهروندی و اهمیت محیط زیست

سیاق شهرها به لحاظ ساخت و ساز و پاکی و ناپاکی حکایت از کمیت بیداری شهریاران و کیفیت منزلت و تربیت اخلاقی شهروندان می‌کند؛ اما علایم تمدن و نشانه مدنیت تنها این نیست که یک کشور پر از آسمان خراش‌ها باشد بل، این است که شهروندان‌اش در کمال معرفت و دانایی از موازین اخلاقی عدول نکنند و آنچه برای خود دوست دارند همان را نیز برای دیگران بخواهند که رفتار محترمانه و توأم با احتیاط، یکی از فضایل شهروندی است. همانگونه که محمد اقبال لاهوری در "جاوید نامه" گشاد و فساد افغانستان را برابر با کُل آسیا تمثیل می‌کند، اهمیت و عدم اهمیت محیط زیست را هم می‌شود به شیرینی و تلخی در زندگی انسان‌ها مثال زد که اگر این ساحت دوچار فساد شود، کل زندگی دوچار تلخی و فساد خواهد شد. بنابراین، داشتن محیط زیست سالم و استفاده از امتیازات آن، از حقوق طبیعی هر انسان به ماهو انسان است. همه موجودات زنده و بخصوص انسان به حکم انسان بودن، بدون در نظر داشت ملاحظات قومی و لسانی و مذهبی و... شان شهروندی‌اش ایجاب می‌کند که از محیط زیست و امکانات و امتیازات آن بهره برداری بهینه کند و مستفید شود، اما از طرف دیگر، شان شهروندی حکم می‌کند که رفتار ما نباید طوری باشد که برای هم‌عصران مان و یا هم نسل‌های آینده خطر آفرین باشد. شان هیچ انسانی بالاتر از تبعیت و تمکین از ارزش‌های قانونی و اخلاقی نیست. معذالک، نباید هیچ انسانی به خاطر قومیت و کمیت نفوس و جایگاه طبقه اجتماعی و... اهمیت محیط زیست را نادیده بگیرد و به هر نوع بهره‌برداری تخریب‌زا و محل محیط زیست آستین بالا بزند. یعنی همانگونه که به لحاظ اخلاقی، جنسیت و رنگ پوست و لسان متفاوت و سن و سال کم و زیاد و داشتن مذهب و اعتقادات متفاوت با دیگران، از عواملی نیست که شان شهروندی اشخاص نادیده گرفته شود و با داشتن شان شخص از حقوق حقه‌اش در جامعه محروم گردد؛ از نظر سلبی نیز ساکنان این طرف سکه هم از این حیث که مورد احترام خاص و عام اند، جایگاه اجتماعی شان در مرتبه‌ای بالاتر از دیگران قرار دارد، ثروت ساختن و خریدن هر ملک (مجازی) را دارند و... نمی‌تواند/نباید آن‌ها را مضاف‌الاحترام یا از تبعیت از ارزش‌های جهانی تبرئه و معاف کرد؛ چرا که این کلمه "انسان" است که مورد خطاب همه مکاتب و مذاهب زمینی و الهی واقع شده است نه امتیازات نسبی و اعتباری ناشی از فرهنگ‌های رایج در جوامع. قرآن کریم هم آنچه در این دنیا موجب برتری باشد را نه جنسیت دانسته است و نه هم قوم

و لسان. هیچ یکی از این‌ها فضیلت و رزیت را با خودش ندارد، چرا که انسان‌ها در تعیین این که کجا به دنیا بیایند و پدر و مادر شان چه کسی باشد و در میان چه قومی متولد شوند، بی‌اختیار و بلااراده هستند که به لحاظ اخلاقی هرچه تعیین‌اش از یدمه‌ها شخص خارج باشد، نه قابل تحسین است و نه هم درخور تقبیح، چون هر کسی مسوول اعمال ناشی از اراده آزاد خود می‌باشد و لا غیر. از جهت دیگر، آنچه موجب قُرْبَتاً اِلاَّ اللهُ می‌شود، "تقوی" و عدم تَضِیعِ حَقُوقِ دیگران است که موضوع مورد نظر نیز ناظر بر همین مورد است. مضاف بر این، قانون اساسی کشور هم با الهام از قواعد زرین قرآنی و جهانی در ماده ۲۲ خود تصریح می‌کند که: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.

استدلال فوق به این نتیجه منتج می‌شود که شان شهروندی اقتضاء می‌کند که رفتار تخریب‌زا درخور نکوهش است و داشتن هیچ یک از منزلت‌های اجتماعی سلوک مغایر با ارزش‌های قانونی و اخلاقی را بر نمی‌تابد.

اخلاق شهروندی و راهکارهایی جهت جلوگیری از مشکلات زیست محیطی

اخلاق به عنوان یک امر مطلق جهانشمول و دارای ارزش فی‌نفسه به همه جهات زندگی ابناء بشر پرتو افکنده و هیچ گوشه‌ای را در خلاء حکم خود قرار نداده است که چگونگی و کیفیت شگرد شهروندان در جامعه یکی از آن موارد است. در این فقره رویکرد صاحب این قلم بیش‌تر ناظر بر رفتارهای درست و خطای شهروندان است که ای بسا با استفاده از حقوق شان مانع استیفای دیگران از امتیازات شان شوند که یکی از آن امتیازات و حقوق حقه داشتن محیط زیست سالم است. به باور راقم این ستور اخلاق شهروندی را می‌شود تالی منطقی حقوق شهروندی قلمداد کرد، البته در مقام طلب. یعنی نه این که یک فعل یا عمل زمانی می‌تواند فی‌نفسه فضیلت اخلاقی را داشته باشد که قبل از تحقق‌اش اتفاق خوب و میمون و مناسب دیگری محقق شده باشد، بعد هم این عمل اخلاقی واکنش مثبت یا محبتی باشد در مقابل آن محبت قبلی، نه. منظور مدعی این است: وقتی که حکومت امتیازات و امکانات و خدماتی را چون: زمینه تحصیل، زمینه کار، تحصیل و... در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، در مقابل، با استفاده از مجاری اخلاقی، حکومت محق است و می‌تواند که تبانی و

تشریک مساعی شهروندان را در ازای خدمات‌اش به عنوان یک تکلیف اخلاقی طلب کند که گردآوری فهم و توش و توان شهروندان برای مبارزه با خطرات موجود برای سلامت محیط زیست ضرورت عاجل و آنی است و می‌تواند که یک طلب و توقع اخلاقی باشد. متأسفانه از این که ما شهروندان افغانستان فضایل اخلاقی را به درستی فرانگرفته‌ایم، همیشه و مدام خود مان را تبرئه می‌کنیم و در همه جا تا می‌توانیم حکومت را تخریب و تخطئه به نارسایی و محکوم به قصور و کوتاهی می‌کنیم. اخلاق شهروندی اقتضاء می‌کند که رفتار باید چنان باشد که هر شخصی خودش را ریس مملکت احساس کند. حدیث پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم هم ناظر به همین معناست که می‌فرماید: **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ** = هر کدام از شما منزلت ناظر و حاکم را بر یکدیگر دارید، اما علی‌رغم این که همه مردم ما دغدغه دینی دارند، رفتار ما در جامعه کم‌ترین حظ و انطباقی را با مسلمات و تاکیدات دینی مبنی بر سالم نگهداشتن محیط ماحول مان ندارد. ما اگر روزانه پانزده بوتل آب و مایعات بنوشیم یکی آن را در سطل زباله نمی‌اندازیم، هنوز یاد نگرفته‌ایم که ته سیگاری‌ای را که در خیابان می‌اندازیم موجب آزار و اذیت خیلی‌ها می‌شود، به خود ننگ می‌دانیم که پوسته و هسته میوه و خسته/تخمک‌هایی را که می‌خوریم در اماکن عمومی نیندازیم و داخل سطل آشغال بریزیم و قس علی‌هذا که همه این موارد و هزاران مورد مغفول و ناشاره شده دیگر وجود دارد که مانع و مزاحمی اند که عرصه را برای دیگر ساکنان این سرزمین و یا هم نسل‌های آینده تنگ و برای احقاق و استیفای حقوق شان مزاحمت محسوب می‌شوند که لازم است به شهروندان، شیوه شهروندی به بهترین وجه ممکن آموزش داده شود.

از طرف دیگر، حکومت و نهادهای زیربسط مبنی بر نگرانی‌های ناشی از خطراتی که سلامت جامعه را تهدید می‌کنند و آلودگی‌های زیست‌محیطی را تسریع می‌بخشند، حداقل تمهیدات و اقداماتی را شبیه موارد ذیل روی دست بگیرد:

- ۱- قبض و انسداد یا کم و محدود کردن کوره‌های پخت و پز خشت.
- ۲- ممنوع و منفعل کردن موترهای کهنه و قدیمی که آلودگی پخش می‌کنند.
- ۳- آسفالت خیابان‌های خامه.
- ۴- گذاشتن سطل‌های زباله در کنار جاده‌ها و پیاده‌روها و پارک‌های تفریحی.

۵- ایجاد مقررات سخت بالای حمام های شهری.

۶- رساندن اهمیت محیط زیست و مصائب و مضار آلودگی های زیست محیطی به شهروندان از طریق مکاتب و منابر و رسانه ها.

۷- به راه انداختن مسابقات کتاب خوانی و مقاله نویسی مبنی بر اهمیت محیط زیست جهت تشویق شهروندان.

نتیجه گیری

به هر اندازه که دانش بشر بیش تر می شود از یک طرف به همان اندازه ارزش های حیاتی را با خطر مواجهه می کند ولی از طرف دیگر پی می برد که اقدامات مقتضی را باید در جهت نجات ابناء بشر روی دست بگیرد که شاخص ترین آن ها، معضلات پدیدار شده ای زیست محیطی است که نظم جهانی را به چالش مواجه ساخته است. محیط زیست ملک مشترک همه موجودات عالم اعم از انسان ها و حیوانات و نباتات است، و انسان ها به عنوان موجودات تصرف گر و اقتدار جو که دغدغه اخلاق و عدالت و انصاف هم دارند، این مثلث حکم می کند که نباید این انسان اختیارات و توانایی هایش را در جهت غیرقابل تحمل ساختن زندگی در کره زمین به کار گیرد. شهروندان اخلاقاً ملزم هستند که به عنوان بال دوم جامعه، همراه با حکومت ها به پرواز درآیند و از ازاله حقوق طبیعی نسل های آینده و دیگر موجودات طبیعت، خود داری نمایند و شان هیچ کسی به خاطر امتیازات مضاف اجتماعی اش بالاتر از تمکین و تبعیت از قانون طبیعت نمی باشد. با توجه وضعیت حساس پیش آمده مبنی بر خطرات ناشی از آلودگی های محیط زیست، حکومت ها نیز در راس باید اقدامات مقتضی و مهارکننده را جهت جلوگیری از تصرفات تخریبی از سوی اشخاص سهل انگار یا استفاده جو در پیش گیرند و در راستای رساندن اهمیت محیط زیست به سمع شهروندان، از همه مجاری ممکن حتی الامکان سعی به خرج داده و تلاش نمایند.

منابع

۱- انسان و محیط زیست، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

۲- جهانی شدن، یان آرت شولت، مترجم: مسعود کرباسیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳- عوامل موثر بر نگرش و آگاهی مصرف کنندگان برای مشارکت در سیستم جمع‌آوری پسمانده

های الکترونیکی، مطالعه موردی در نیجریه، ارائه شده توسط: Tarjomafa.com

۴- محیط زیست، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی

ایران.

۵- قانون اساسی افغانستان مصوب سال ۱۳۸۲.